

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

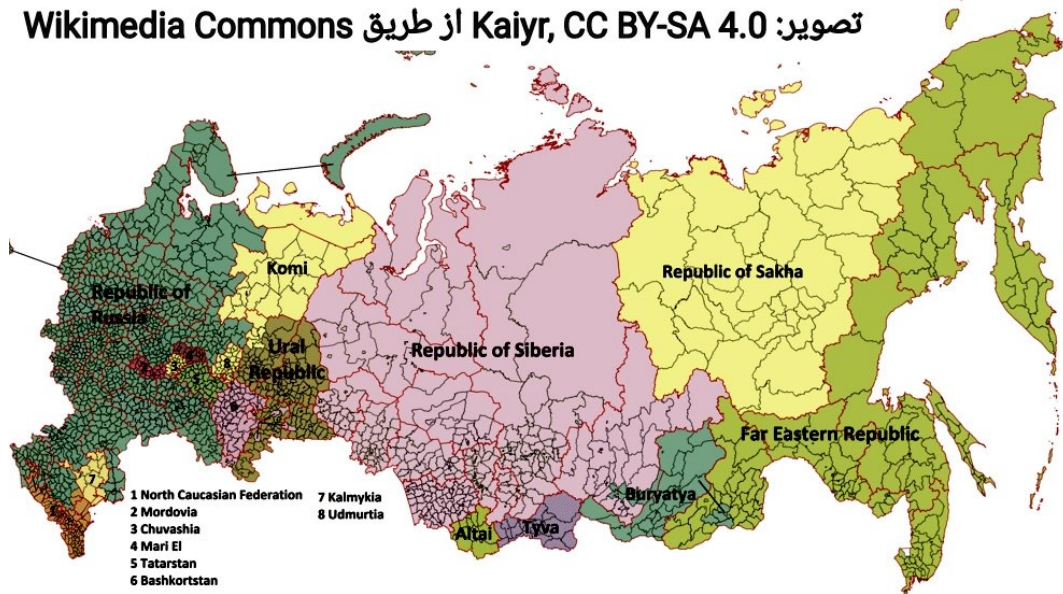
نویسنده: بند مولر از تار نمای تلویویس

برگردان و ارسال: مجله هفته

۲۷ سپتمبر ۲۰۲۲

طرح تجزیه روسیه!

تصویر: Kaiyr, CC BY-SA 4.0 از طریق Wikimedia Commons



این نقشه نشان می دهد که فدراسیون روسیه به کدام کشور ها می تواند تقسیم شود. در این بین برنامه های پارتیشن

گسترده ای نیز وجود دارد. تصویر Kaiyr, CC BY-SA 4.0 از طریق Wikimedia Commons

استعمار زدانی از روسیه: آیا غرب می خواهد فدراسیون روسیه را تجزیه کند؟

وزیر امور خارجه روسیه با این ادعا در مجمع عمومی ملل متحد حاضر شد. اما «استعمارزدانی» که غرب جمعی

تلاش می کند برای روسیه مهندسی کند به چه معناست؟

مناظره عمومی مجمع عمومی ملل متحد هم اکنون در نیویارک در حال برگزاری است. در مناظره چهارده روزه،

جنگ در اوکراین موضوع برجسته ای بود و منجر به تبادل نظر و حتی ضرباتی بین دولت شد.

سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در سخنرانی خود غرب دسته جمعی را متهم کرد که می خواهند جهان را

تجزیه کنند و کشورش را نابود کنند.

او تأکید کرد که «آنها دیگر حتی خجالت نمی‌کشند که آشکارا اعلام کنند که هدف فقط تحمیل شکست نظامی به کشور ما نیست، بلکه قصد نابودی روسیه و تجزیه آن است.» سخنان لاوروف تلاش دیگری برای نشان دادن جنگ در اوکراین به عنوان نوعی دفاع از خود و توجیه تشدید بیشتر درگیری است. با این حال، ادعا های او فقط اختراعات ذهنی روس ها نیست. جنگ در اوکراین یک بحث قدیمی را دوباره برانگیخته است و «غرب» در حال حاضر از نظر ذهنی برای زمان پس از شکست روسیه آماده می شود.

این بحث همچنین با افکار حذف روسیه به عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی و رقیب ایالات متحده مشخص می شود. ایده های زیادی برای نابودی روسیه وجود دارد، اما همه آنها تحت عنوان «استعمارزدائی» مطرح می شوند. تضعیف مرکز سیاسی در مسکو و توزیع قدرت بیشتر در مناطق احتمالاً بی ضررترین ایده است. افراطی ترین آنها، شامل تقسیم فدراسیون روسیه به چندین کشور کوچک است.

طرح های استعمار زدائی

عقبه مفهومی ایده اخیر به جنگ جهانی اول برمی گردد. در سال ۱۹۱۶، اتحادیه خلق های خارجی روسیه تأسیس شد که ظاهراً از آزادی مردمی که گفته می شد توسط امپریالیسم روسیه تحت ستم قرار گرفته بودند، حمایت می کرد. این لیگ توسط امپراتوری آلمان، دشمن دوران جنگ روسیه، تأمین مالی شد. پس از پایان اتحاد جماهیر شوروی، این ایده توسط دولت ایالات متحده مطرح و مورد بحث قرار گرفت، همانطور که نویسنده آمریکائی کیسی میشل در مقاله ای در مجله مناظره اتلانتيک در پایان ماه می توضیح داد. دیک چنی، وزیر دفاع سابق، برای جلوگیری از تهدید مجدد روسیه به هژمونی ایالات متحده، فقط به درهم شکستن اتحاد جماهیر شوروی راضی نبود، بلکه او خواستار درهم شکستن کل روسیه بود. جورج بوش، رئیس جمهور وقت ایالات متحده مخالف این طرح بود و در مجادله با معاونس پیروز شد - و روسیه تجزیه نشد.

برای کیسی میشل، این یک اشتباه بزرگ بود. وی نوشت: «غرب» باید پروژه آغاز شده در سال ۱۹۹۱ را تکمیل می کرد و سعی می کرد روسیه را کاملاً استعمارزدائی (تجزیه - مترجم) کند. با این حال، همانطور که چنی در نظر داشت، لزوماً نباید کشور به طور کامل برچیده شود. برای ایجاد نوعی فدرالیسم دموکراتیک نیز کافی است.

و هنگامی که روسیه استعمار زدائی شد، این روند باید در چین ادامه یابد. به گفته میشل، این کشور نیز نتوانست با میراث استعمار مقابله کند. در روسیه، مقاله میشل واکنش های شدیدی را برانگیخت - و به ترس دامن زد. وکیل و جنرال یوری ژدانوف در بزرگترین روزنامه روسیه پاسخ داد: «معلوم است که این فقط نظر شخصی او نیست، بلکه موضع محافل حاکم ایالات متحده است.»

و نظر ایشان با رضایت محافل حاکم ایالات متحده منتشر شد. بنابراین روسیه «با سخت ترین آزمون تاریخ خود روبه رو است»

شواهدی وجود دارد که نشان می دهد مقاله میشل یک تحلیل مستقل از محافل قدرت در امریکا نیست.

در پایان ماه جون، کریستف جهل به کمپانی که توسط کمیسیون امنیت و همکاری اروپا (CSCE) در واشنگتن دی سی راه اندازی شده است، اشاره کرد: «استعمار زدائی روسیه به عنوان یک الزام اخلاقی و ستراتیژیک» و میشل توسط CSCE به عنوان سخنران دعوت شد.

این نهاد که به عنوان کمیسیون هلسینکی ایالات متحده نیز شناخته می شود، شامل سناتورهای، اعضای مجلس نمایندگان و اعضای وزارت خارجه ایالات متحده است. بنابراین می توان فرض کرد که کار آنها تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی ایالات متحده داشته است.

از CSCE از جنگ در اوکراین به عنوان فرصتی برای مذاکره درباره موضوع امپراتوری داخلی روسیه استفاده می کند. راه های حلی باید یافت که چگونه می توان با «امپریالیسم روسیه» مبارزه کرد و چگونه کشور را «استعمار زدائی» کرد.

نتایج بحث هنوز مشخص نیست، اما دستور کار باید روشن باشد.

مجمع خلق های آزاد روسیه

انجمن خلق های آزاد روسیه سهم مهمی در «استعمار زدائی» روسیه دارد. بر اساس گزارش مجله اینترنتی چک نوین، اولین جلسه از نوع خود در ماه می در وارسا برگزار شد و هر جلسه بعدی در یک شهر اروپائی متفاوت «که دارای پیشینه آزادی و مبارزه علیه دیکتاتوری است» برگزار خواهد شد.

اولین مجمع در وارسا تنها با حضور نمایندگان اقلیت های قومی در روسیه برگزار نشد. همچنین رهبران سابق کشورهای غربی در آن شرکت داشتند که می تواند نشان دهنده حمایت غیر رسمی این کشورها از این طرح باشد. در این اجلاس آنا فوتیگا، وزیر امور خارجه سابق پولند که از بنیانگذاران این مجمع نیز محسوب می شود، حضور داشت. کریستوفر میلر وزیر دفاع سابق امریکا نیز در این مراسم حضور داشت. پاولو کلیمکین، وزیر خارجه سابق اوکراین، که در دومین مجمع نیز سخنرانی کرد، از دیگر بنیانگذاران آن می توان نام برد.

اجلاس دوم در پراگ در پایان جولای برگزار شد و «استعمار زدائی» روسیه در دستور کار اینجا هم بود. میهمانان شامل نمایندگان مردم بومی در فدراسیون روسیه، نمایندگان اوکراین و کشورهای غربی بودند. به گزارش چک نوین، جلسه بعدی احتمالاً در کلابیدا لیتوانی برگزار خواهد شد.

در وب سایت خود، انجمن سعی دارد خود را میانه رو جلوه دهد. آنجا می گوید:

«اهداف این مجمع عبارتند از: بازسازی و تحول ساختاری روسیه، توسعه اقتصادی و سیاسی مناطق و خودمختاری های تاریخی-فرهنگی، تحقق کامل حقوق و آزادی های مدنی و همچنین رفاه اجتماعی مردم.» اما در خود بحث، از طرف دیگر، خویشتن داری کنار گذاشته شده است. در نتیجه «استعمار زدائی» قبل از هر چیز به معنای تجزیه فدراسیون روسیه است.

انجمن مردمان در معرض تهدید (GfbV) در گزارش خود سخنان کارشناس علوم اجتماعی سرگژ ساملنی را تکرار می کند: او «متأسف است که کارشناسان اروپای غربی با تجزیه روسیه مخالفت خواهند کرد». ساملنی تا سال ۲۰۲۱ رئیس بنیاد هاینریش بل (بنیاد وابسته به حزب سبز آلمان) در کیف بود.

به گفته شرکت کنندگان در انجمن، «استعمار زدائی» (تجزیه) محدود به روسیه نیست، بلکه به معنای سیاستی برای چین نیز هست. زیرا هر دو ایالت آخرین قدرت های استعماری خواهند بود.

منظور این است که هر دو کشور کشورهای بیگانه را تحت انقیاد خود قرار نمی دادند، بلکه مردم را در درون خود سرکوب و غارت می کردند. این مردمان به ظاهر تحت ستم قرار است بر این اساس آزاد شوند.

«اما مردم روسیه حق تعیین سرنوشت، آینده ای شایسته برای خود، فرزندان و نوه هایشان دارند. مردم باید مسؤلیت زندگی خود را بر عهده بگیرند و جایگاه خود را در جامعه بین المللی پیدا کنند»

نقل قول از انجمن خلق های آزاد روسیه، به نقل از: انجمن برای مردمان در معرض تهدید (GfbV) تیروول جنوبی هدف اصلی این انجمن، شبکه سازی با اتصال فعالان فردی به یک دیگر و فورموله کردن اهداف مشترک برای آنهاست – و در رسیدن به این هدف از همکاری با افراطیون هم باکی به خود راه نمی دهد.

در میان فعالان این انجمن احمد زکایف، رهبر جدائی طلب چچن، که از پناهندگی سیاسی در بریتانیای کبیر برخوردار است، نیز حضور داشت. از سوی دیگر، در روسیه، او تحت تعقیب است زیرا او متهم به چندین حمله تروریستی است: «حملات انتحاری در یک کنسرت راک و در مترو مسکو، سقوط هواپیما و گروگانگیری خونین در نتاتر دوبروکا مسکو.»